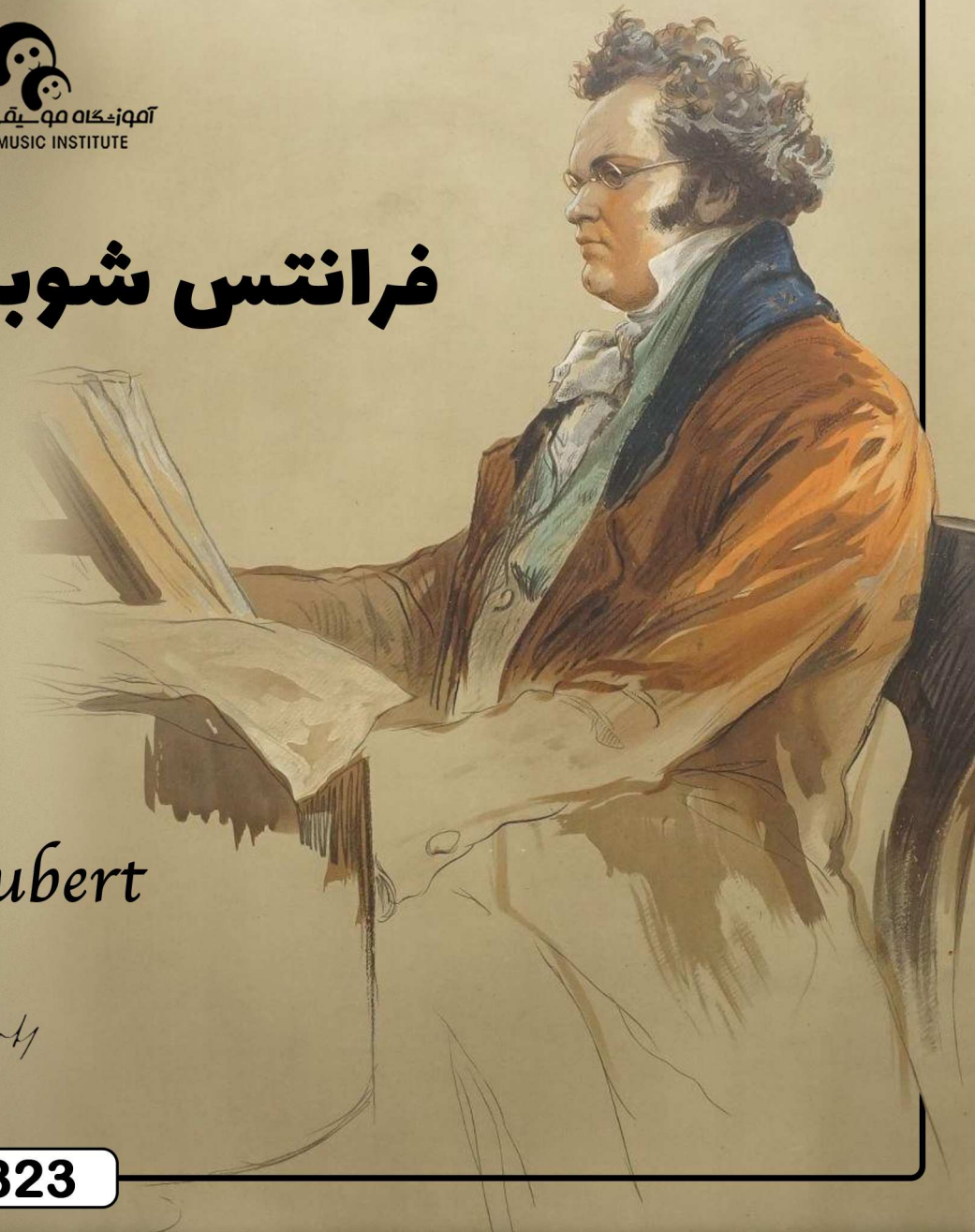


فرانتس شوبرت که بود؟



franz schubert

F. Schubert

1797 - 1823



فرانتس پیتر شوبرت (۱۷۹۷ تا ۱۸۲۸) آهنگ‌ساز اتریشی رمانتیک، از برجسته‌ترین هنرمندان دوران بود که به ملودی‌ها و هارمونی‌های استثنایی‌اش و ترانه‌های بی‌مانندش شهرت داشت، اما چند اثر او، از جمله سمفونی شماره ۹ در دو ماژور و همچنین کوارتت «مرگ و دوشیزه»‌اش از مشهورترین قطعه‌های تاریخ موسیقی است.

فرانتس شوبرت در منزل یک مدیر مدرسه به دنیا آمد و سه برادر بزرگ‌تر و یک خواهر کوچک‌تر از خودش داشت. پدرش که نام او هم فرانتس شوبرت بود، از آن مدیران سرشناس بود که مدرسه‌ای نمونه را اداره می‌کرد.



خانواده‌ی شوبرت‌ها همگی اهل موسیقی بودند و یک کوارتت خانوادگی داشتند که ویولانوازی‌اش بر عهده‌ی فرانتس جوان بود. او از همان کودکی در نزد پدر و همچنین نزد برادر بزرگ‌تر، ایگناتس موسیقی می‌آموخت و کمی بعد به نزد ارگ‌نواز کلیسای محل رفت تا از او ارگ‌نوازی و نظریه‌ی موسیقی بیاموزد.

در ۱۸۰۸ بوردو به‌طور موقتاً به‌عنوان عضو ارکستر مجلسی دربار پذیرفته شد. در آن زمان مردم غیراشرافی وین در هر مرکزی نمی‌توانستند تحصیل کنند و از همین رو، فرانتس جوان هم ناگزیر شد که در مدرسه‌ی شبانه‌روزی اشتات‌کنویکت اقامت بگزیند و در نزد آموزگاران این مدرسه تحصیلات خود را ادامه دهد.



یکی از آموزگاران او آنتونیو سالیری بود، همان سالیری بزرگ که بهترین شاگرد گلوی به شمار می‌رفت و به سه زبان مختلف اپرا می‌نوشت. شوپرت در ارکستر دانش‌آموزان مدرسه ویولن می‌نواخت و فیلی زود جای مایستر ارکستر نشست. وقتی هم که رهبر ارکستر غایب می‌بود، از او می‌خواستند تا رهبری ارکستر را بر دوش بگیرد. البته هیچ‌گاه گروه کر را هم رها نکرد و همواره در دوران تحصیلاتش در تمرین‌های کر شرکت می‌کرد.

شواهدی از هم‌مدرسه‌ای‌های شوپرت باقی مانده که نشان می‌دهد او آدمی فحالتی بوده و هیچ‌گاه آهنگ‌سازانه‌های خود را به کسی نشان نمی‌داد است.



در میان نخستین آثار او قطعه‌هایی چون فانتازی برای دوئت پیانو، یک ترانه، چند اورتور ارکستری، چند قطعه‌ی مجلسی، و سه کوارتت زهی به چشم می‌خورد. البته در همین دوران آثار دیگری چون یک اپرت ناتمام نیز پدید آورد. این آثار چنان مورد توجه دوستانش قرار گرفت که مجبورش کردند تا نت‌نوشت‌هایش را به نزد آنتونیو سالیری ببرد. او هم آخر تسلیم اصرار دوستان شد و به نزد سالیری بزرگ رفت.

در ۱۸۱۲، شوبرت صدایش را از دست و دیگر نتوانست در گروه کر مشارکت کند. همین شد که مدرسه را ترک گفت و به نزد آنتونیو سالیری رفت تا به‌طور متمرکز نزد او تحصیل کند.



سه سال تمام پیش استاد بزرگ مشق کرد تا این که به اصرار خانواده اش دوره های مربی گری گذراند و به مدرسه ی پدر رفت تا پیشه ی هنرآموزی اختیار کند. چنین شد که شوبرت راه پدر را ادامه داد و برای مدتی اداره ی مدرسه ی پدر را بر عهده گرفت.

لیکن او هیچگاه قلم کنار نهاد و هر لحظه ای که مجال می یافت، چیزی از ذهن خود بیرون می کشید و بر کاغذ ثبت می کرد. هنوز هجده سالش تمام نشده بود که چندین و چند قطعه برای پیانو، چند کوارتت زهی، یک سمفونی، و یک اپرای سه پرده ای نوشت. ظرف دو سال بعد هم دو سمفونی دیگر و همچنین دو قطعه از مشهورترین لیده های خود، یعنی «گرچن پشت دوک نخریسی» و «ملک عفریت ها» (بر اساس شعری از یوهان ولفگانگ فن گوته) را پدید آورد.



سرانجام شوبرت در ۱۸۱۸ دست از کار آموزشی کشید و تمام وقت خود را صرف موسیقی‌پردازی و خلق هنر کرد. در واقع در مارس آن سال، پس از آن‌که یکی از آثارش به صورت عمومی بر صحنه اجرا رفت و با استقبال عمومی روبرو شد، تصمیم گرفت که دست از آموزش بشوید و فقط به آهنگ‌سازی بپردازد. همین کافی بود تا آهنگ‌ساز جوان ما چند برابر بیش از پیش کار کند و ظرف مدتی کوتاه چندین دوئت پیانو و شمار زیادی ترانه و قطعه‌ی مرکتی پدید آورد. در همین سال هم یک اپرت نوشت به نام «برادران دوقلو» که در ۱۸۲۰ برای بار نخست بر صحنه رفت و توجه بسیاری را هم به خود جلب کرد.

البته زندگی همیشه هم به آسانی پیش نمی‌رود و فرانتس داستان ما هم دشواری‌های زیادی پیش رو داشت.



در اوج کامیابی‌هایش، دو اپرافانه او را به استفداه درآورد تا برایشان اپرا بنویسد. متأسفانه هیچ‌یک از این دو قرارداد با موفقیت به پایان نرسید. چنین بود که دورانی از دشواری‌های مالی از راه رسید و شوپرت مداه ناچار بود از دوستانش پول قرض بگیرد. باوجوداین ترانه‌ها و موسیقی‌های حرکتی او در سراسر وین مشهور بود و هم‌ی مردم این قطعه‌ها را می‌شناختند و زیر لب زمزمه می‌کردند. در اواخر ۱۸۲۲ او بیمار شد و مشکلات مالی‌اش هم بیشتر و بیشتر گشت. باوجوداین پشتکار شوپرت آسیبی ندید و در همین دوران هم بود که سمفونی هشتمه فارق‌العاده‌ی خود را نوشت. دشواری‌ها دائم بیشتر می‌شد و از همین رو سرآخر فرانتس شوپرت به کار آموزش بازگشت در همان مال هم دم‌ی از نوشتن موسیقی دست نکشید.



او برای گذران زندگی موسیقی خلق نمی‌کرد، بلکه برای گریز از دشواری‌های زندگی به موسیقی روی می‌آورد. در ۱۸۲۶ برای تصدی شغل مدیر موسیقی مدرسه‌ی اشتات کنویکت داوطلب شد و گرچه بی‌گمان صالح‌ترین فرد برای اشغال این مقام بود، اما این وظیفه را به فرد دیگری سپردند.

۱۸۲۷ برای او سال بدی بود. با شنیدن خبر مرگ پتهون از خود بی‌خود گشت و پشت سر هم موسیقی نوشت. رشته‌ی بلندی از آثار زهی نوشت، از جمله «سفر زمستان» که مجموعه‌ای ۱۲ ترانه‌ای است و همچنین «سونات پیانو در دو مینور». اما گویی تمام نیروی این آهنگ‌ساز بزرگ و هنرمند ارجمند تمام شده بود.



مال جسمانی‌اش روز به روز بدتر می‌شد و با این‌که هر روز یک اثر تازه پدید می‌آورد، اما دیگر جانی برایش نمانده بود. غریب این‌که اولین و آخرین کنسرت عمومی فرانتس شوبرت، همان کنسرتی بود که در ۲۶ مارس ۱۸۲۸ برگزار کرد و این کنسرت چنان موفقیت‌آمیز بود که سرانجام هنرمند بی‌نوا توانست در واپسین سال زندگی‌اش یک پیانو برای خود بخرد.

در ۱۹ نوامبر ۱۸۲۸، فرانتس شوبرت که به برادر خود، فردیناند پناه برده بود، سرانجام چشم بر این دنیا فرو بست. میراث او برای تاریخ و فرهنگ موسیقی چنان گران‌قدر است که به دشواری می‌توان چند رقیب برایش جست. بی‌گمان او از بزرگ‌ترین استادان موسیقی آوازی بود، اما به سراغ هر سبک و ژانر موسیقایی که رفت، در کارش کامیاب بود و آثاری بی‌مانند از خود برجای گذاشت.

